

سؤال/جواب ۲۳: معنای کلمه اسرائیل و ستاره شش‌پر

سؤال/ ۲۳: ما معنی کلمه اسرائیل؟ وهل الصهاينة الموجودون اليوم في فلسطين هم بنو إسرائيل أو ما بقي منهم؟ وهل النجمة السداسية صهيونية؟ وماذا تعني النجمة السداسية؟

پرسش ۲۳: معنای کلمه‌ی اسرائیل چیست؟ آیا صهیونیست‌هایی که امروزه در فلسطین هستند، بنی اسرائیل هستند یا این که از آن‌ها کسی باقی نمانده است؟ و آیا ستاره‌ی شش‌پر، صهیونیستی است؟ و ستاره‌ی شش‌پر چه معنایی را می‌رساند؟

الجواب: إسرائيل تعني: عبد الله. ويوجد بعض اليهود الموجودين في الأرض المقدسة من ذرية يعقوب النبي (ع)، وهو عبد الله وهو إسرائيل عند اليهود.

پاسخ:

اسرائیل یعنی بنده‌ی خدا. در میان یهودیانی که در سرزمین مقدس هستند، از نوادگان یعقوب نبی (ع) یافت می‌شود. او عبدالله است و نزد یهود اسرائیل می‌باشد.

والنجمة السداسية عند اليهود هي: نجمة داود، وتعني: المنتصر، وهي علامة للمصلح المنتظر عندهم، وهو إيليا النبي (ع)، الذي رُفِعَ قبل أن يُبعث عيسى (ع) بمدة طويلة، وهم ينتظرون عودته، وهو أحد وزراء الإمام المهدي (ع) الآن.

ستاره‌ی شش‌پر همان ستاره‌ی داوود است و به معنای «منتصر» (پیروز و فاتح) می‌باشد، و برای آن‌ها، علامت مصلح منتظر است که همان ایلیای نبی (ع) می‌باشد؛ کسی که زمانی دراز پیش از بعثت عیسی (ع) مرفوع شد. (به آسمان بالا برده شد) و آن‌ها منتظر بازگشتش هستند و در حال حاضر او یکی از وزرای امام مهدی (ع) می‌باشد.

ما تقدم بناءً على أن إسرائيل تعني: يعقوب، ولكن الحقيقة إن إسرائيل تعني: عبد الله، وتعني: محمداً .

آنچه بیان شد بر این مبنا است که اسرائیل یعنی حضرت یعقوب؛ ولی واقعیت آن است که اسرائیل به معنی بنده‌ی خدا و منظور حضرت محمد (ص) می‌باشد.

وبنو إسرائيل هم: آل محمد ، وأيضاً شيعتهم، بل والمسلمون عموماً بحسب ورودها في القرآن. في تفسير العياشي وغيره:

با توجه به آنچه در قرآن آمده است بنی اسرائیل آل محمد (ع) و نیز شیعیان آن‌ها و حتی عموم مسلمین می‌باشند. در تفسیر عیاشی و سایر منابع آمده است:

(عن هارون بن محمد، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله سبحانه: (يا بني إسرائيل)، قال (ع): هم نحن خاصة.

از هارون بن محمد روایت شده است: از ابا عبد الله امام صادق (ع) درباره‌ی این فرموده‌ی خدا (ای بنی اسرائیل) سؤال کردم. حضرت فرمود: «آنان به طور خاص ما هستیم».

عن محمد بن علي، قال: سألت الصادق (ع) عن قول الله: (يا بني إسرائيل)، قال: هي خاصة بآل محمد .

از محمد بن علی نقل شده است: از امام صادق (ع) درباره‌ی این سخن خدا یا بنی اسرائیل سؤال کردم. فرمود: «به طور خاص مربوط به آل محمد (ع) می‌باشد».

وفي سنن أبي داود عن النبي أنه قال: أنا عبد الله اسمي أحمد، وأنا عبد الله اسمي إسرائيل، فما أمره فقد أمرني، وما عناه فقد عناني ([330]).

در سنن ابی داوود از پیامبر(ص) روایت شده است که فرمود: «أنا عبد الله اسمي أحمد و أنا عبد الله اسمي إسرائيل، فما أمره فقد أمرني و ما عناه فقد عناني»([331]) (من عبدالله هستم. نامم احمد است و من عبدالله هستم. نامم اسرائیل است، پس هرچه به او دستور داده شده به من دستور داده شده است و هرچه به او مربوط می شود به من مربوط می باشد).

فبعض الآيات في الأئمة خاصة ([332])، وهم بنو إسرائيل فيها لا سواهم.

برخی آیات به طور خاص مربوط به ائمه(ع) می باشند([333]) و در این آیات، آنها (ائمه(ع)) بنی اسرائیل می باشند و نه کس دیگر.

قال تعالى: (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ * وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ) ([334]).

حق تعالی می فرماید: (ای بنی اسرائیل، از آن نعمتی که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید * و بترسید از روزی که هیچ کس، به کار دیگری نیاید و هیچ فدیهای پذیرفته نشود و شفاعت سودشان نکند و هیچ یاری نشوند) ([335]).

(يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ): أي يا آل محمد .

(ای بنی اسرائیل): یعنی ای آل محمد(ع) .

(اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ): أي نعمة الولاية والإمامة ، والهيمنة على جميع العوالم.
(نعمتم را یاد کنید): یعنی نعمت ولایت و امامت، و تسلط بر تمام عوالم.

(وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ): أي بمعرفتي (معرفة الله سبحانه وتعالى) والعلم بأسمائه.

(و شما را بر جهانیان برتری دادم): یعنی با شناخت من (شناخت خداوند سبحان و متعال) و علم به اسماء او.

ومن المعلوم أنّ محمداً وآل محمد هم المفضلون على العالمين، لا بنو يعقوب ولا غيرهم مفضلون على آل محمد .

روشن است که برتری داده شدگان بر جهانیان، محمد و آل محمد هستند، و فرزندان یعقوب و غیر آنها، برتری داده شده بر آل محمد (ع) نمی باشند.

(وَاتَّقُوا يَوْمًا): هو يوم الموت، وهو اليوم الوحيد الذي لا توجد فيه شفاعاة، فالعذاب عند الموت لا ينجو منه إلا من. صاحب الدنيا ببدنه، وقلبه معلق بالملأ الأعلى، فلم يرتبط مع الدنيا بحبال وعوالق تحتاج إلى القطع والقلع مما يسبب العذاب.

(و بترسید از روزی که) : روز مرگ است؛ تنها روزی که در آن شفاعت وجود ندارد. از عذابِ هنگامِ مرگ کسی نجات پیدا نمی کند مگر کسی که در دنیا با بدنش زندگی کرده درحالی که دلش به ملأ اعلی تعلق داشته باشد و در نتیجه با ریسمانها و دلبستگی های به دنیا مرتبط نبوده که به قطع کردن و بریدن - که مسبب عذاب است - نیاز داشته باشد.

والناجون من عذاب الموت هم: المقربون، قال تعالى: (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ) ([336])، أي حال موته، وسادة المقربين هم: محمد وآل محمد .

نجات یافتگان از عذاب مرگ، مقرّبان می‌باشند. حق تعالی می‌فرماید: (اما اگر از مقرّبان باشد * برای او است آسایش و روزی و بهشت پر نعمت) ([337]) ؛ یعنی وضعیت مرگش. سروران مقرّبان هم عبارتند از محمد و آل محمد (ع).

وبعض الآيات في (بني إسرائيل) خاصة بالشيعة وعلماء الشيعة، قال تعالى: (وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانُوا لَا يَتْلُونَ * وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا) ([338]).

برخی آیات مربوط به «بنی اسرائیل»، ویژه‌ی شیعه و علمای شیعه می‌باشند. خداوند متعال می‌فرماید: (و آن هنگام که فرستاده‌ای از جانب خداوند بر آن‌ها مبعوث شد که آن‌چه نزدشان بود تصدیقش می‌کرد، گروهی از اهل کتاب، کتاب خداوند را آن‌چنان پشت سر خویش افکندند که گویی از آن اطلاعی ندارند * و از افسونی که شیاطین بر روزگار پادشاهی سلیمان می‌خواندند پیروی کردند، و سلیمان کافر نبود ولی شیاطین کافر بودند) ([339]).

(وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ): أي رسول من الإمام المهدي (ع)؛ لأنه بعد بعث الإنسان الكامل (كلمتك التامة وكلماتك التي تفضلت بها على العالمين)، وهم محمد وآل محمد ختمت الرسالة من الله سبحانه وتعالى، وبدأ عهد جديد، وهو الرسالة من الرسول محمد وآل محمد، ف (آل محمد) رسل من محمد، يأخذون علمهم منه بالوحي أو بواسطة ملائكة أو مباشرة منه، فالرسول محمد: (الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل) أي: الخاتم للرسالة من الله، وفتاح الإرسال منه ومن آل بيته.

(و آن هنگام که فرستاده‌ای از جانب خداوند بر آن‌ها مبعوث شد) : یعنی فرستاده‌ای از سوی امام مهدی (ع)؛ چرا که پس از بعثت انسان کامل (كَلِمَةُ التَّامَّةِ وَكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ) - (کلمه‌ی کاملت و کلماتی که با آن‌ها بر جهانیان برتری یافتی) که محمد و آل محمد هستند، رسالت از جانب

خداوند سبحان و متعال خاتمه یافت و دوران جدیدی آغاز شد که همان رسالت از جانب حضرت محمد و آل محمد (ع) می باشد. بنابراین «آل محمد» فرستادگانی از جانب حضرت محمد (ص) هستند که علم خود را با وحی یا به واسطه‌ی فرشتگان و یا به طور مستقیم از آن حضرت دریافت می کنند. پس، حضرت محمد(ص) «الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل» (خاتم بر گذشتگان و راهگشای آیندگان) می باشد؛ یعنی: ختم کننده‌ی رسالت از سوی خدا و گشاینده‌ی رسالت از جانب خود (ص) و اهل بیتش (ع).

وقد ثبت عند الشيعة أنّ الإمام المهدي (ع) يرسل محمداً بن الحسن ذا النفس الزكية قبل خمسة عشر يوماً من قيامه لأهل مكة فيقتلونه [340]، فإذا صح هذا الإرسال صح غيره.

برای شیعه ثابت شده است که امام مهدی (ع)، پانزده روز پیش از قیام خود، محمد بن حسن صاحب نفس زکیه را به سوی مردم مکه می فرستد و آنها او را می کشند. [341] حال اگر این فرستادن درست باشد، دیگر فرستادن‌ها هم درست خواهد بود.

(مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ): من العلم الذي ورثه الشيعة عن أهل البيت بأنّ المهدي (ع) حق، وأنه يقوم بالسيف، وأنه قبل قيامه يوجد م مهدون يوطنون له سلطانه، وأنّ له ذرية، وأنّ بعده اثني عشر من ولده مهديين. وأنهم - أي الشيعة - قاطعون بناءً على الروايات التي وردت عنهم بأن الأرض لو خليت من الإمام لساخت بأهلها [342]، فبعد قتل - أو بحسب اعتقاد بعضهم موت الإمام المهدي (ع) - بمن تستقر الأرض إن لم يكن بأحد ولده الأوصياء من بعده والأئمة المهديين، كما في الروايات عنهم !!؟

(که آن چه نزدشان بود تصدیقش می کرد) : از علمی که شیعه از اهل بیت (ع) به میراث برده است به این که مهدی (ع) حق است، او با شمشیر قیام می کند،

پیش از قیامش کسانی هستند که زمینه‌ی حکومتش را برای او مهیا می‌سازند، او فرزندی دارد و پس از او دوازده مهدی از نسل او می‌باشند. آن‌ها یعنی شیعیان- براساس روایاتی که از آن بزرگواران (ع) وارد شده است به قطع و یقین می‌دانند که اگر زمین از امام خالی بماند، اهلش را فرو می‌برد. ([343]) حال پس از به قتل رسیدن یا طبق اعتقاد برخی از آن‌ها مرگ- امام مهدی (ع) زمین به وسیله‌ی چه کسی آرام و قرار می‌یابد؟ اگر این کار توسط یکی از اوصیا از فرزندان او پس از او یعنی امامانِ مهدیین نباشد؟! همان‌طور که در روایات از ایشان (ع) وارد شده است.

وفي صلاة يوم الجمعة التي قال فيها ابن طاووس (رحمه الله) - وهو ممن التقى بالإمام المهدي (ع) بل ونقل عنه (ع) في زمن الغيبة الكبرى -: (إن تركت تعقيب العصر يوم الجمعة لعذر من الأعذار فلا تترك هذه الصلاة أبداً؛ لأمر أطلعنا الله (عز وجل) عليه)، ثم ذكر الصلاة التي في نهايتها يقول الإمام (ع): (وصل على وليك - أي الإمام المهدي (ع) - وولاة عهدك والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم ، وزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة أنك على كل شيء قدير) ([344]).

ابن طاووس (رحمة‌الله) -همان کسی که در زمان غیبت کبری با امام مهدی (ع) ملاقات داشته و حتی از آن حضرت (ع) روایت کرده است- در مورد صلوات روز جمعه گفته است: «اگر تعقیب عصر روز جمعه را بنابر عذری ترک کردی، هرگز این صلوات را ترک مکن؛ به جهت امری که خداوند جل جلاله ما را به آن مطلع نموده است». سپس صلوات را بیان کرده است که در پایان آن امام (ع) می‌فرماید: «وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ أَيُّ إِمَامٍ مَّهْدِيٍّ (ع) - وَوَلَاةٍ عَهْدِكَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْهُ وَوَلَدِهِ وَ مُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَىٰ آمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ([345]) (و بر ولیّت -یعنی امام مهدی (ع)- و زمامداران

پایبند به عهدت که امامان از فرزندانش هستند درود فرست، و بر عمرشان بیافزا و به طول حیاتشان فزونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی).

ورد في الرواية أنه ينزل في مسجد السهلة بعياله [346]. وورد أن بعده أحد عشر مهدياً من ولده (ع) [347].

در روایتی آمده است که آن حضرت با خانواده‌اش در مسجد سهله فرود می‌آید. [348] همچنین وارد شده است که پس از او، یازده مهدی از نسل آن حضرت (ع) خواهد بود. [349]

والروایات كثيرة لست بصدد استقصائها، وإنما ذكرت بعضها للحجة على المعاند المتكبر على الله وأوليائه الله، ومن أراد العلم طلباً للحق، فليراجع كتب الحديث ويطلع بنفسه.

روایات بسیاری وجود دارد و من درصدد بیان کردن همه‌ی آنها نیستم، و فقط برخی از آنها را برای اتمام حجّت بر معاند متکبر بر خدا و اولیای خدا بیان کردم. هرکس که برای پیروی از حق به دنبال علم است، به کتب حدیث مراجعه کند و خودش مطالعه نماید.

(نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ): هؤلاء هم بعض علماء الشيعة وأتباعهم خاصة، والكتاب الذي نبذوه وراء ظهورهم هو: القرآن والإمام المهدي (ع) والروایات عن أهل بيت العصمة والممهدون للإمام المهدي (ع) وإرساله لهم، وكذبوا بالحق لما جاءهم وقالوا ساحر أو مجنون، أو به جنة كأنهم لا يعلمون أن هذا هو الحق من الإمام المهدي (ع).

(گروهی از اهل کتاب، کتاب خداوند را آن‌چنان پشت سر خویش افکندند که گویی از آن اطلاعی ندارند) این‌ها برخی از علمای شیعه و پیروان خاصشان

می‌باشند، و کتابی که پشت سرشان افکندند، قرآن و امام مهدی (ع) و روایات از اهل بیت عصمت و زمینه‌سازان امام مهدی (ع) و ارسال او برای آن‌ها می‌باشد. آن‌ها حق را هنگامی که به سویشان آمد، تکذیب کردند و گفتند جادوگر است یا مجنون می‌باشد یا جنون دارد؛ گویی اصلاً نمی‌دانند که این حقی از جانب امام مهدی (ع) است.

(وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ): أي بعض علماء الشيعة اتبعوا سنن الأمم الماضية واتهاماتهم للأنبياء والمرسلين ، وقالوا هذا من الجن (الشياطين)، وملك سليمان أي ملك المهدي (ع).

(و از افسونی که شیاطین بر روزگار پادشاهی سلیمان می‌خواندند پیروی کردند) : یعنی برخی از علمای شیعه، سنّت‌های امت‌های پیشین و اتهاماتی که آن‌ها به انبیا و فرستادگان (ع) وارد کردند را پیروی کردند و گفتند این از جن (شیطان) است. ملک سلیمان نیز یعنی ملک مهدی (ع).

(وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا): وكون الإمام المهدي (ع) هو إمام الأنس والجن فانه يرسل رسوله إلى الأنس والجن، وكما أنّ من الأنس من يؤمن ومن يكفر ومن ينافق ومن يؤمن ويرتد ومن ومن ... كذلك من الجن من يجري عليه ما يجري على الأنس.

(و سلیمان کافر نبود ولی شیاطین کافر بودند) : به این که امام مهدی (ع) امام انس و جن است و فرستاده‌اش را به سوی انس و جن گسیل می‌دارد، و همان‌طور که برخی از انسان‌ها ایمان می‌آورند، برخی کافر می‌شوند، دسته‌ای نفاق پیشه می‌کنند و گروهی ایمان می‌آورند و مرتد می‌شوند و.... و.... و.... جنیان نیز همین‌گونه‌اند و هرچه بر انس جاری می‌شود بر جن نیز جاری می‌گردد.

كما أنّ أمر الإمام المهدي (ع) العظيم، والذي يمثل نهاية إبليس (لعنه الله) وجنده من شياطين الأنس والجن، كيف لا يتعرض لمكر من قبل شياطين الجن وخدعهم ومكرهم وإلقاءاتهم في قضية الإمام المهدي (ع) التي تمثل نهاية باطلهم بأسره هذه المرة؟!

از آن جا که امر امام مهدی (ع) عظیم است و بیان گر پایان کار ابلیس (لع) و لشکریان او از شياطين انس و جن می باشد، چطور ممکن است آن حضرت در معرض مکر شياطين جن و نیرنگ و خدعه های آنان و القائات شان در قضیه ی امام مهدی (ع) که تمثیلی از به پایان رسیدن تمام باطل شان در این مرتبه می باشد، قرار نگیرد.

وبعض الآيات في (بني إسرائيل) خاصة بالمسلمين الذين ظلموا آل محمد ، قال تعالى: (وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَاِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا) ([350]).

و برخی آیات درباره ی «بنی اسرائیل» خاص مسلمانانی است که به آل محمد (ع) ستم روا داشتند. حق تعالی می فرماید: (و بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد و نیز سرکشی خواهید کرد، سرکشی کردنی بزرگ * چون از آن دو بار وعده ی نخستین در رسد، گروهی از بندگان خویش را که جنگاورانی زورمند بودند برای شما فرستادیم. آنان حتی در درون خانه ها را هم جست و جو خواهند کرد و این وعده ای انجام شدنی است) ([351]).

(وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ ... وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا):
الفساد الأول: من هذه الأمة بقتل فاطمة والإمام علي (ع). والفساد الثاني: بقتل الحسن والحسين عليهما السلام، والعلو الكبير: بما انتهكوا من حرمة الحسين (ع)، ومثلوا بجثمانه الطاهر ورفعوا رأسه على رمح، وهو خامس أصحاب الكساء، وخير خلق الله بعد محمد وعلي وفاطمة والحسن. والعباد المرسلون في المرة الأولى هم المختار وجنوده الذين سلطهم الله على قتلة الحسين (ع) فقتلوهم.

(و بر بنی اسرائیل مقرر کردیم.... و سرکشی بزرگی خواهید کرد):

فساد نخست: از این امت با کشتن فاطمه و امام علی (علیهما السلام)، و فساد دوم: با کشتن حسن و حسین (علیهما السلام) بود. و سرکشی کردن بزرگ: آن بود که حرمت حسین (ع) را پایمال کردند و بدن پاک آن حضرت را مُثله کردند و سرش را بالای نیزه بردند و حال آن که او پنجم اصحاب کسا و برترین خلق خدا پس از محمد، علی، فاطمه و حسن (ع) بود. بندگان فرستاده شده در بار نخست، مختار و لشکریانش بودند که خداوند آنها را بر قاتلان امام حسین (ع) مسلط کرد و آنها را به قتل رسانیدند.

(فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا) [352]: وهؤلاء هم أصحاب القائم (ع) وأنصاره، سيمكن لهم الله حتى يملكوا شرق الأرض وغربها مع سيدهم محمد بن الحسن المهدي (ع)، ويذل الله بهم كل كافر ومنافق ومرتاب.

(و چون وعده‌ی دوم فرا رسید، کسانی بر سرتان فرستادیم تا شما را غمگین سازند و چون بار اول که به مسجد در آمده بودند به مسجد در آیند و به هرچه دست یابند نابود سازند) [353]. این افراد اصحاب قائم (ع) و انصار او می‌باشند که خداوند آنها را تمکین خواهد داد تا شرق و غرب زمین را با سرورشان محمد بن الحسن المهدي (ع) به تصرف درآورند و خداوند با آنها هر کافر و منافق و شکاکی را ذلیل خواهد کرد.

(عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ) [354]: أي يا مسلمين، عسى ربكم أن يرحمكم بإتباع القائم ونصرته والاعتراف بأنه إمام مفترض الطاعة يجب موالاته وموالاته ووليه ومعاداة عدوه.

(شاید پروردگارتان به شما رحم کند) ([355]): یعنی ای مسلمانان! شاید پروردگارتان به شما رحم کند؛ با پیروی از قائم و یاری دادن او و اعتراف به این که او امام واجب الطاعه است و این که موالات او و موالات ولی اش و نیز دشمنی با دشمنش واجب می باشد.

(إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ): أي إِنَّ الآيات التي مضت من سورة الإسراء ترشدكم إلى التي هي أقوم، أي إلى الصراط المستقيم، أي الإمام المهدي (ع).

(این قرآن به درست ترین آیین ها راه می نماید): یعنی آیاتی که از سوره ی اسراء گذشت، شما را به آن چه خود پایدارتر است راه می نماید؛ یعنی به راه مستقیم یعنی به امام مهدی (ع) .

(وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا): ويبشر المؤمنين بالقائم (ع) ويعملون لقيامه، فالتمهيد لقيام القائم (ع) هو الصالحات وهو الصلاة، وهو خير العمل.

(و مؤمنانی را که کارهای شایسته به جای می آورند بشارت می دهد که از پاداشی بزرگ برخوردار خواهند شد): مؤمنین را به قائم (ع) بشارت می دهد و این که برای قیامش تلاش کنند. زمینه سازی برای قیام قائم (ع)، همان صالحات است، همان نماز و همان برترین کارها (خیر العمل) می باشد.

(وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا): الآخرة هي الإمام المهدي (ع) والممهدون له (ع)، وهي ملكوت السماوات والأرض، وهي رؤيا المؤمن الصالحة، وهي فطرة الله التي فطر الناس عليها، والذين لا يؤمنون بالآخرة كفرة وإن ادعوا أنهم مسلمون.

(و برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند، عذابی دردآور مهیا کرده ایم): آخرت عبارت است از امام مهدی (ع) و کسانی که زمینه ساز آن حضرت هستند؛ عبارت اند

از ملکوت آسمان‌ها و زمین، همان رؤیای صالح مؤمن، همان فطرتی که خداوند مردم را به آن فطرت بیافریده است؛ و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند کافرند هرچند ادعای مسلمانی داشته باشند.

أما النجمة السداسية: فهي من مواريث الأنبياء التي ورثها القائم محمد بن الحسن المهدى (ع)، وهي ترمز إليه (عليه صلوات ربي) وتعني: المنتصر والمنصور. واليهود الصهاينة سرقوا هذه النجمة، واتخذوها شعاراً لهم ورمزاً لانتظارهم للمصلح العالمي الموعود، وهو عندهم - كما قدمت - إيليا النبي (ع). والذي يهين هذه النجمة ويلعنها يكون كمن يلعن كلمة (الله أكبر) التي وضعها صدام لعنه الله في علم العراق، ويكون ممن يلعن مواريث الأنبياء .

اما ستاره‌ی شش پر: جزئی از میراث‌های انبیا است که قائم محمد بن الحسن المهدی (ع) آن را به ارث می‌برد. این ستاره به آن حضرت (ع) اشاره دارد و معنای آن منتصر (پیروز و فاتح) و منصور (یاری شده) می‌باشد. یهودیان صهیونیست این ستاره را به سرقت برده‌اند و آن را شعار و نماد خود برگرفتند و برای آن‌ها اشاره‌ای به مصلح جهانی موعود دارد و همان‌طور که پیش‌تر گفتم، برای آن‌ها منظور ایلیای نبی (ع) می‌باشد. کسی که به این ستاره توهین کند و آن را لعن و نفرین نماید، مانند کسی است که کلمه‌ی «الله اکبر» را که صدام (لع) آن را در پرچم عراق قرار داد مورد لعن قرار دهد و از زمره‌ی کسانی می‌شود که موارث انبیا (ع) را لعنت می‌کند!

فهذه النجمة هي نجمة المهدي (ع)، وقد ورد عنهم : (إن راية الحق إذا ظهرت لعنها أهل المشرق وأهل المغرب) [356]. فاحذروا أيها المؤمنون، فاللعنة إذا لم تجد لها موضعاً عادت إلى صاحبها، كما ورد عن رسول الله [357].

این ستاره، ستاره‌ی مهدی (ع) است. از ائمه (ع) روایت شده است: «هنگامی که پرچم حق آشکار شود اهل مشرق و مغرب آن را لعنت می‌کنند».

[358] پس ای مؤمنان، برحذر باشید! اگر لعنت مکانی پیدا نکند، به صاحبش (لعنت کننده) باز می‌گردد، همان‌طور که رسول خدا(ص) بیان فرموده است.
[359]

وداود (ع) داودنا، وسليمان (ع) سليماننا، والهيكل هيكلنا نحن المسلمين، لا هيكل اليهود الصهاينة قتل الأنبياء، والأرض المقدسة أرضنا، ولا بد من تحريرها وفتحها، ورفع راية (لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي ولي الله) عليها. (إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ) [360]. وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

داوود(ع) داوود ما است، سليمان(ع) سليمان ما است، و هيكل، هيكل ما مسلمانان است نه هيكل يهودی‌های صهیونیست که قاتلان پیامبرانند. سرزمین مقدس، سرزمین ما است که باید آزاد و فتح شود و پرچم «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» بر آن به اهتزاز درآید. (نزدیک‌ترین کسان به ابراهیم همانا پیروان او و این پیامبر و مؤمنان هستند و خداوند یاور مؤمنان است) [361].
و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين (و انتهای کلام ما، این که ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است).



[330] - تفسیر العیاشی: ج 1 ص 44.

[331] - تفسیر عیاشی: ج 1 ص 44.

[۳۳۲] - وهنا قال السيد أحمد الحسن (ع) (بعض الآيات): لأن هناك بعض الآيات تدم بني إسرائيل وهي تقصد الذين يدعون التشيع ورغم ذلك خذلوا آل محمد، فهم كبنی اسرائیل الذین يدعون الانتماء إلى الأنبياء ونصرتهم ولكنهم فشلوا في ذلك ألا القليل، (لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَرَأْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ) المائدة: 70.

[333] - در اینجا سید احمد الحسن (ع) از عبارت برخی آیات استفاده می‌کند؛ چرا که برخی آیات در ذمّ بنی اسرائیل می‌باشند و منظور آن‌ها کسانی است که ادعای تشیع می‌کنند و در عین حال آل محمد ع را تنها می‌گذارند؛ آن‌ها مانند بنی اسرائیل هستند که ادعای پیروی و یاری انبیا را داشتند ولی جز اندکی، در این مهم شکست خوردند: (لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَآزَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ) (ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی برایشان فرستادیم. هر گاه که پیامبری چیزی می‌گفت که با خواهش دلشان موافق نبود، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند) (مائده: 70).

[334] - البقرة: 122 - 123.

[335] - بقره: 122 و 123.

[336] - الواقعة: 88 - 89.

[337] - واقعه: 88 و 89.

[338] - البقرة: 101 - 102.

[339] - بقره: 101 و 102.

[340] - انظر: بحار الأنوار: ج 52 ص 203، 307.

[341] - به بحار الانوار: ج 52 ص 203 و 307 رجوع کنید.

[342] - عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا (ع) قال: قلت له: أتبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا، قلت: فانا نروي عن أبي عبد الله (ع): أنها لا تبقى بغير إمام إلا أن يسخط الله تعالى على أهل الأرض أو على العباد، فقال: لا، لا تبقى إذا ساخت) الكافي: ج 1 ص 277 ح 11، وغيره من الأحاديث الشريفة.

[343] - از محمد بن فضیل از ابو الحسن امام رضا (ع) روایت شده است: به ایشان عرض کردم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ فرمود: «خیر». عرض کردم: ما از ابا عبد الله (ع) روایت می‌کنیم: «زمین بدون امام باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند بر اهل زمین یا بندگان خشم گیرد». فرمود: «نه، اگر فرو برود، باقی نمی‌ماند». کافی: ج 1 ص 277 ح 11 و سایر احادیث شریف.

[344] - مفاتيح الجنان: ص 85.

[345] - مفاتيح الجنان: ص 85.

[346] - قال الإمام الصادق (ع): (كأنني أرى نزول القائم (ع) في مسجد السهلة بأهله و عياله) بحار الأنوار: ج 52 ص 317، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 414.

[347] - عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله (ع) في حديث طويل أنه قال: (يا أبا حمزة إن منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)) غيبة الطوسي: ص 309.

[348] - امام صادق (ع) می‌فرماید: «گویی فرود آمدن قائم (ع) با اهل و عیالش را در مسجد سهله می‌بینم». بحار الانوار: ج 52 ص 317؛ مستدرک الوسائل: ج 3 ص 414.

[349] - از ابو حمزه از ابو عبد الله (ع) در حدیثی طولانی روایت شده است که فرمود: «ای ابا حمزه! از ما پس از قائم، یازده مهدی از فرزندان حسین (ع) خواهد بود». غیبت طوسی: ص 309.

[350] - الإسراء : 4 - 5.

[351] - إسراء : 4 و 5.

[352] - الإسراء : 7.

[353] - إسراء : 7.

[354] - الإسراء : 8.

[355] - إسراء : 8.

[356] - عن أبان بن تغلب، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إذا ظهرت راية الحق لعنهما أهل الشرق والغرب،

أتدري لم ذلك؟ قلت: لا، قال: للذي يلقي الناس من أهل بيته قبل خروجه) بحار الانوار: ج 52 ص 363.

[357] - عن أبي حمزة الثمالي، قال: سمعت أبا جعفر (ع) يقول: (ان اللعنة إذا خرجت من في صاحبها ترددت،

فان وجدت مساعاً والا رجعت على صاحبها) الكافي : ج 2 ص 360.

[358] - از ابان بن تغلب روایت شده است: شنیدم ابا عبد الله (ع) می فرماید: «هنگامی گه پرچم حق نمایان گردد

اهل مشرق و مغرب آن را لعنت می کنند. آیا می دانی چرا؟». گفتم: خیر. فرمود: «از آن چه انسان از اهل بیتش پیش

از خروجش می بیند». بحار الانوار: ج 52 ص 363.

[359] - ابو حمزه روایت می کند: شنیدم ابا جعفر (ع) می فرماید: «هرگاه لعنت از دهان گوینده خارج شود، میان

این دو نفر رفت و برگشت می کند؛ پس اگر کسی که لعنت شده است، سزاوار لعن باشد، به او می رسد وگرنه به

گوینده اش برمی گردد». کافی: ج 2 ص 360.

[360] - آل عمران : 68.

[361] - آل عمران : 68.